



The Influence of the Flow of the Military-Industrial Complex on the Foreign Policy of the United States after September 11 : A Case Study of thinking Rooms

Seyed Hamed Mousavi¹ | Majid Adeli²

Abstract

This study is aimed at investigating and identifying the problems of Iran's human resources performance appraisal system. The research follows a qualitative approach based on synthetic method. The statistical population of the study consists of the studies conducted during 2000 to 2019 in the field of the pathology of Iran's human resource performance appraisal system selected through specific search keywords in the national databases. Totally, 114 studies were selected to be investigated. From among these studies, 29 were chosen on the basis of several screening stages and were then evaluated in terms of their titles, abstracts, and contents. The data are obtained by the qualitative analysis of the research documents. Content analysis method was also used for analyzing the research data in three stages (open, axial, and selective types). Analyzing the data in 101 open codes and 32 axial categories and grouping them into 11 dimensions revealed that Iran's human resources performance appraisal system faces problems in these areas: socio-cultural, technological infrastructure, resources and facilities, organizational-managerial, systems, appraisal program design, appraisal Implementation, performance analysis and feedback, evaluation results, and application of the results and consequences. The results of the data analysis led to the identification of the flaws in the Iranian human resources performance appraisal system in the form of a comprehensive model. Therefore, the designed model provides an appropriate framework for organizations to pathologically appraise their human resource performance.

Keywords: Synthetical research, pathology, human resource performance appraisal.

DOR: 20.1001.1.10255087.1401.31.2.7.6

1. Assistant Professor, Department of Regional Studies, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

2. Corresponding author: MA in North American Studies, University of Tehran, Tehran, Iran
M.adelii@ut.ac.ir

تأثیر جریان مجتمع نظامی - صنعتی بر سیاست خارجی ایالات متحده پس از
یازده سپتامبر مطالعه موردی: اندیشکده‌ها

سید حامد موسوی | مجید عادل۱

چکیده

پس از وقوع حادثه یازده سپتامبر در سال ۲۰۰۱، مبارزه با تروریسم جهانی به بهانه‌ای جهت اتخاذ سیاست‌های تهاجمی ایالات متحده در بسیاری از مناطق جهان تبدیل گردید. دستاویز مقابله با گروه‌های تروریستی که موجب لشکرکشی به غرب آسیا شد و در سال‌های پس از آن با اتخاذ استراتژی جنگ نیابتی، آتش نزاع و درگیری را در این منطقه روشن نگاه داشت؛ سیاستی که دیگر مناطق از جمله شرق آسیا را هم به یک منطقه همواره ملتهب تبدیل کرد. مسئله‌ای که به واسطه نفوذ جریانی تحت‌عنوان مجتمع نظامی - صنعتی و اضلاع متنفذ آن در ساختار قدرت آمریکا صورت پذیرفته و نقش اندیشکده‌ها به‌عنوان یکی از ارکان این جریان در آن بسیار پررنگ است. به همین جهت در پژوهش پیش رو، با طرح این سؤال که جریان مجتمع نظامی صنعتی چه تأثیری بر سیاست خارجی ایالات متحده پس از یازده سپتامبر داشته است، این فرضیه را به آزمون می‌گذاریم که جریان مجتمع نظامی - صنعتی آمریکا پس از یازده سپتامبر، با استفاده از بازوان تأثیرگذار خود به‌ویژه اندیشکده‌ها، باعث اتخاذ سیاست‌های جنگ‌طلبانه و در پی آن، ایجاد بحران در بسیاری از مناطق جهان گردیده که نتیجه آن، انعقاد قراردادهای تسلیحاتی با صنایع نظامی و فروش جنگ‌افزار به بسیاری از کشورهای درگیر است. در واقع این پژوهش با روش ترکیبی، استفاده از منابع کتابخانه‌ای و بهره‌برداری از منابع اینترنتی، به تبیین تأثیر مجتمع نظامی - صنعتی و به‌طور ویژه رکن مؤثر آن یعنی اندیشکده‌ها در سیاست خارجی جنگ‌طلبانه ایالات متحده می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: پیمانکاران نظامی؛ بوئینگ، جنگ؛ لاکهید مارتین؛ نورثروپ گرومن.

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۰/۰۳/۲۵
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۰/۱۲/۲۲
صص: ۲۱۴-۱۸۳شاپا چاپی: ۰۸۷-۵-۱۰۲۵
الکترونیکی: ۴۹۷۱-۴۶۵۴

DOR: 20.1001.1.10255087.1401.31.2.7.6

۱. استادیار، گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

M.adelii@ut.ac.ir

۲. نویسنده مسئول: دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات آمریکای شمالی، دانشگاه تهران

مقدمه

در پس پرده اقدامات ستیزه‌جویانه، جنگ‌طلبانه و تفرقه‌افکنانه دولت آمریکا در بسیاری از مناطق جهان، جریانی وجود دارد که با هدف ازدیاد منافع خود، این کشور را به سمت اتخاذ سیاست‌های جنگ‌طلبانه سوق می‌دهد. این جریان که اولین بار از سوی «دوایت دیوید آیزنهاور»^۱ رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده از آن رونمایی گردید، مجتمع نظامی - صنعتی نامیده می‌شود که از طریق چهار ضلع خود شامل قوه مجریه، کنگره، پیمانکاران نظامی و هم‌چنین اندیشکده‌ها و با استفاده از ابزارهای در اختیار، نسبت به جهت‌دهی سیاست خارجی ایالات متحده به سمت جنگ و درگیری و ایجاد بحران در بسیاری از مناطق جهان در سالهای پس از حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱، اقدام نموده است.

نقش و نفوذ این جریان به‌ویژه اندیشکده‌ها در کنار صنایع تولیدکننده تسلیحات نظامی در نظام سیاسی ایالات متحده و قرابت آن‌ها با فاکتورها و مؤلفه‌های ارائه‌شده در الگوی بوروکراتیک نظریه تصمیم‌گیری گراهام آلیسون، موجب شد تا از نظریه مذکور به‌عنوان چهارچوب نظری در این پژوهش استفاده گردد. بی‌شک تأثیر و اعمال نفوذ این جریان در سیاست‌های اتخاذی ایالات متحده در قواره نظریه فوق به‌صورت ملموس‌تری روشن خواهد شد از این‌رو، با چارچوب ارائه‌شده در این نظریه نسبت به تبیین تأثیر جریان مجتمع نظامی - صنعتی به‌ویژه اندیشکده‌ها و ارتباطات آن‌ها با پیمانکاران نظامی، خاصه سه شرکت که در زمره بزرگترین شرکت‌های تسلیحاتی جهانند؛ یعنی لاکهیدمارتین، بوئینگ و نورثروپ گرومن، در سیاست خارجی آمریکا پرداخته خواهد شد؛ سیاست‌هایی که در سایه نفوذ جریان مجتمع نظامی صنعتی، علی‌الخصوص اندیشکده‌ها و ایجاد فضای غیرواقعی بحرانی و زدن برچسب تهدید بر پیشانی برخی از کشورها، در کنار ترغیب کشورها به خرید تسلیحات بیشتر با هدف افزایش میزان فروش صنایع تسلیحاتی، باعث ایجاد درگیری، اختلاف، مناقشه و حتی بروز جنگ داخلی در بسیاری از مناطق جهان گردیده است.

1. Dwight David "Ike" Eisenhower

ضرورت تحقیق

نظر به موقعیت و جایگاه ایالات متحده در حوزه بین‌الملل و اهمیت و ضرورت بررسی سیاست خارجی این کشور، که تحت تأثیر نفوذ گسترده تولیدکنندگان تسلیحات نظامی بوده و در دوره پسا یازده سپتامبر نیز این روند تداوم داشته است، در این مقاله سعی شده از زوایای متفاوتی به این مبحث مهم پرداخته شود از این رو، هدف اصلی این پژوهش پرداختن به این مسأله است که جریان مجتمع نظامی - صنعتی چگونه در سیاست خارجی آمریکا نمود پیدا کرده و اثرگذار بوده است. در این راستا به صورت ویژه به تأثیر یکی از ارکان ذی نفوذ این جریان یعنی اندیشکده‌ها توجه شده است؛ نقشی که می‌توان آن را در ارتباطات میان این اتاق‌های فکر با شرکت‌های برتر تولیدکننده تسلیحات نظامی در راستای اثرگذاری بر تصمیم‌سازی سیاست‌مداران و حکام آمریکایی و در ادامه اتخاذ سیاست‌های جنگ طلبانه و مداخله گرایانه ایالات متحده مشاهده کرد که مسبب بسیاری از منازعات در مناطق گوناگون جهان است.

روش تحقیق

با توجه به استفاده اکثر محققان حوزه مطالعات منطقه‌ای از روش ترکیبی در پژوهش‌های خود، در این تحقیق نیز از روش مذکور استفاده شده است. در این شیوه هم از روش‌های کمی و هم روش‌های کیفی استفاده می‌شود. در روند پژوهش نیز برای گردآوری داده‌ها از شیوه کتابخانه‌ای استفاده می‌گردد. در این روش از دو نوع منبع دست اول و دست دوم استفاده می‌شود که از منابع دست اول، می‌توان به مصاحبه‌ها، اسناد و اخبار و از نمونه منابع دست دوم نیز می‌توان از کتب، مقالات و گزارشات راهبردی نام برد. ضمن اینکه با توجه به گستردگی حجم پژوهش‌ها و مقالات مرتبط با موضوع، در این پژوهش از منابع اینترنتی از جمله سایت‌های اندیشکده‌ها و مراکز پژوهشی خارجی و داخلی نیز استفاده گردیده است.

با توجه به ترکیبی بودن روش تحلیل محتوا، به کارگیری این روش که هم در روش‌های کیفی و هم کمی استفاده می‌شود، در انجام این پژوهش مفید و مؤثر به نظر می‌رسد. تحلیل محتوا یک مورد خاص در تحقیق مشاهده‌ای و تحقیق تاریخی اسنادی محسوب می‌شود و از نظر ماهیت، پژوهشی کمی است که از طریق آن، محتوای کیفی منابع مورد بررسی، طی دست‌کاری‌های آماری

به داده‌های کمی تبدیل می‌شود؛ لکن با استخراج مفاهیم اصلی و قرارداد آن‌ها به‌عنوان پایه تحلیل، به‌صورت کیفی نیز می‌توان از آن بهره برد. این روش سابقه‌ای طولانی دارد؛ اما به‌صورت علمی در قرن اخیر و با بررسی و تحلیل مطبوعات دنبال شده، به حوزه‌های گوناگون علمی گسترش پیدا کرده و به روش مطالعه ارتباطات نیز معروف است. روش مذکور در بررسی متون نوشته‌شده، گفتارها، فیلم‌ها، تصاویر، مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها و ... کاربرد دارد و از آن به‌طور گسترده در حوزه علوم سیاسی و به‌خصوص بررسی مطبوعات، گزارش‌ها و سخنرانی‌های سیاسی نیز استفاده می‌شود.

از شیوه فوق‌زمانی استفاده می‌شود که امکان دسترسی به شخص نویسنده، گوینده یا سازمان موردتحقیق وجود نداشته باشد بنابراین، در این پژوهش برای بررسی اعتبار فرضیه اصلی، متن و محتوای سخنرانی‌ها، موضع‌گیری‌ها و تبلیغات مرتبط با صنایع تسلیحاتی مؤثر در تصمیم‌سازی مسئولان ایالات متحده بررسی می‌شود.

پیشینه تحقیق

ضرورت و اهمیت مطالعه نقش جریان مجتمعی نظامی - صنعتی بر سیاست خارجی ایالات متحده، پژوهش‌گران را بر آن داشته که مقالاتی را منتشر و کتاب‌هایی را در این خصوص به رشته تحریر درآورند. از جمله مطالعات صورت گرفته در این زمینه، مطالعه ویلیام دی هارتونگ مدیر پروژه اسلحه و امنیت در «مرکز سیاست‌های بین‌المللی»^۱ است که به‌عنوان پژوهشگر ارشد در «اندیشکده آمریکای جدید»^۲ مشغول به کار بوده و مدیریت پروژه اسلحه و امنیت را در این بنیاد برعهده داشته است. هارتونگ در کتاب خود با عنوان «پیامبران جنگ»^۳ ضمن اشاره به تأثیر مجتمعی - نظامی، با تمرکز بر فعالیت شرکت لاکهیدمارتین، به جایگاه این پیمانکار نظامی در سیاست‌های اتخاذی مقامات آمریکایی می‌پردازد (Hartung, 2012).

جیمز مک کارتنی استاد دانشگاه جرج تاون و مولی مک کارتنی در کتاب «ماشین جنگی آمریکا»^۴ با بیان ابعاد پشت‌پرده سیاست‌های جنگ طلبانه ایالات متحده، به نقش افراد و گروه‌های

1. The Center for International Policy
2. The New America Foundation
3. The Prophets of War
4. Americas War Machine

مؤثر در این نوع از سیاست‌گذاری پرداخته و با اشاره به نفوذ این گروه‌ها در وزارت دفاع آمریکا، پنتاگون را به واسطه این اثرپذیری، سردمدار سیاست‌های جنگ‌افروزان آمریکا عنوان می‌نمایند (MCCartney & McCartney, 2015).

جیمز پتراس نویسنده شهیر آمریکایی، که از مخالفان سیاست‌های ایالات متحده در منطقه غرب آسیا است، در یکی از کتاب‌های خود تحت عنوان «صهیونیسم، نظامی‌گری و کاهش قدرت آمریکا»^۱ ضمن اشاره به نقش لابی تسلیحات نظامی آمریکا بر عقد قراردادهای عظیم تسلیحاتی در منطقه غرب آسیا، ریشه این قراردادها را متأثر از نقش لابی اسرائیل در آمریکا و ارتباط آن با سیاست‌های نظامی - دفاعی ایالات متحده در منطقه غرب آسیا می‌داند (Petras, 2009).

چالمرز جانسون استاد و رییس اسبق گروه علوم سیاسی دانشگاه کالیفرنیا، در سه کتاب اخیر خود به نقش سیاست‌های نظامی و در کنار آن صنایع نظامی آمریکا، بر آنچه وی شکل‌گیری امپراتوری ایالات متحده می‌خواند و نیز خطر فروپاشی این امپراتوری می‌پردازد. وی که خود به‌عنوان افسر نیروی دریایی ارتش آمریکا در جنگ کره شرکت داشته و در مقطعی از مشاوران سازمان سیا بوده، در کتاب «غم و اندوه امپراتوری، نظامی‌گری، پنهان‌کاری و پایان جمهوری»^۲ به ریشه‌های میلیتاریسم آمریکایی، چگونگی نفوذ پیمانکاران نظامی در حکومت ایالات متحده، سیر صعودی این نفوذ پس از حادثه یازده سپتامبر و انتصاب بسیاری از افراد منتسب به این صنایع به پست‌های کلیدی، خصوصاً در وزارت دفاع پرداخته است (Johnson, 2004). جانسون در کتاب «نمسیس»^۳: آخرین روزهای جمهوری آمریکا^۴ نیز در تداوم بررسی تبعات نفوذ نظامی‌گری در سیاست‌گذاری آمریکا، به خسارات ناشی از این نفوذ، تأثیر آن بر اتخاذ سیاست‌های مداخله‌گرایانه ایالات متحده و ایجاد پایگاه‌های نظامی متعدد در سرتاسر دنیا می‌پردازد. وی در آخرین کتاب خود «تخریب امپراطور»^۵ که در سال ۲۰۱۰ منتشر شد، ضمن انتقاد به سیاست‌های جنگ‌طلبانه آمریکا، به تأثیر پیمانکاران نظامی هم‌چون لاکهیدمارتین و بوئینگ در شکل‌گیری این سیاست‌های به‌زعم خود نادرست، اشاره می‌کند (Johnson, 2006)(Johnson, 2010).

1. Zionism, militarism and the decline of power US

2. The Sorrows of Empire: Militarism, Secrecy, and the End of the Republic

۳. نام الهه نیکی و بدی، عدالت و انتقام

4. Nemesis: The Last Days of the American Republic (American Empire Project),

5. Dismantling the Empire: America's Last Best Hope (American Empire Project)

نشریات علمی دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)

ژاک گانسلر استاد دانشگاه مریلند، که کتاب‌های متعددی را با موضوعات دفاعی امنیتی به رشته تحریر درآورده است، در کتاب «زرادخانه دموکراسی»^۱، با اشتباه خواندن استراتژی ایالات متحده در صنعت دفاعی، استدلال می‌کند که شیوه‌های دفاعی قرن ۲۰، خواسته‌های امنیتی جهان را پس از ۱۱ سپتامبر برآورده نمی‌کند. در این راستا وی به نقد سیاست‌ها و نحوه برخورد مقامات آمریکا با پیمانکاران نظامی پرداخته و آن‌را تاریخ مصرف گذشته می‌پندارد. به همین منظور در کتاب خود به تشریح بسیاری از قراردادها و روابط صنایع نظامی با حکومت ایالات متحده می‌پردازد (Gansler, 2011).

هاروی ساپولسکی استاد سابق دانشگاه میشیگان و مشاور وزارت دفاع و «اندیشکده رند»^۲، یوجین غولز استادیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه نوتردام، محقق بخش دفاع و سیاست خارجی «اندیشکده کاتو»^۳، مشاور ارشد معاون وزیر دفاع و عضو شورای روابط خارجی و کیتلین تالمادج، استاد دانشگاه جورج تاون، همکار ارشد «اندیشکده بروکینگز»^۴ و عضو غیردائم شورای روابط خارجی، در ویرایش سوم از سری کتاب‌های خود با عنوان «سیاست‌های دفاعی آمریکا: ریشه‌های سیاست‌های امنیتی»^۵ که در سال ۲۰۱۷ به چاپ رسید، ضمن بررسی استراتژی دفاعی ایالات متحده، به چگونگی و چرایی قراردادهای تسلیحاتی، نقش رئیس‌جمهور و کنگره در کنترل ارتش و هم‌چنین تأثیرات حادثه یازده سپتامبر بر سیاست‌های امنیتی آمریکا می‌پردازند (Gholz & Talmadge, 2017).

از مقالات منتشر شده در خصوص تأثیر پیمانکاران نظامی در سیاست خارجی آمریکا، می‌توان به مقاله آرتور هرمن مورخ آمریکایی و عضو اندیشکده هادسون در مقاله «چگونه صنعت دفاعی اسرائیل می‌تواند به نجات آمریکا کمک کند»^۶، که توسط «اندیشکده امریکن اینترپرایز»^۷ منتشر شده، اشاره کرد که در آن، ضمن مقایسه فعالیت‌های برخی از شرکت‌های نظامی غیرآمریکایی با صنایع نظامی این کشور، سیاست‌های مسئولین در قبال این پیمانکاران و هزینه‌های بالای آنان را نقد می‌کند (Herman, 2011).

1. Democracy's Arsenal: Creating a Twenty-First-Century Defense Industry
2. The RAND Corporation
3. The CATO INSTITUTE
4. The BROOKINGS Institution
5. US Defense Politics: The Origins of Security Policy
6. How Israels defence industry can help save America.
7. The American Enterprise Institute

تریور ثرال استاد دانشگاه جرج میسون و عضو ارشد گروه دفاعی و سیاست خارجی انستیتو کاتو و کارولین دورمینی، در مقاله‌ای در وبگاه این اندیشکده، تحت عنوان «کسب و کار مخاطره‌آمیز: نقش فروش اسلحه در سیاست خارجی ایالات متحده»^۱ به بررسی وضعیت فروش تسلیحات نظامی توسط آمریکا به دیگر کشورها و افزایش این قراردادها در دوران دونالد ترامپ پرداخته و ضمن بیان استدلال موافقان فروش بیشتر تسلیحات نظامی، معتقد است که پیمانکاران نظامی در ارائه رشد اقتصادی حاصل از فروش سلاح‌های خود اغراق نموده‌اند (Thrall & Dorminey, 2018).

مبانی نظری

شاید یکی از پرمحتواترین و قابل ملاحظه‌ترین مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، که توجه نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران حوزه روابط بین‌الملل را به خود جلب کرد و با ادبیات جدید و ساده خود دریچه‌ای نو را در این حوزه گشود، مدل‌های تصمیم‌گیری گراهام آلیسون باشد که از زمان ارائه تا کنون، مقالات بسیاری را به تمجید و هم‌چنین نقد از خود واداشته است (Yanarella, 1975:3).

وی سه مدل جهت تصمیم‌گیری در سیاست خارجی را مطرح می‌کند که عبارتند از: ۱) مدل بازیگر عقلانی یا خردمند^۲، ۲) مدل روند سازمانی^۳ و ۳) مدل دیوانی یا بوروکراتیک^۴. آلیسون در سال ۱۹۷۱ در مقاله معروف خویش تحت عنوان «جوهره تصمیم‌گیری»^۵ با موضوع «بحران موشکی کوبا»^۶، پروسه تصمیم‌گیری طی مدت بحران مذکور، رفتارها و تصمیمات اتخاذی از سوی دولت مردان ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی را در چارچوب سه مدل تصمیم‌گیری خود گنجانده است (Bernstein, 1999:2)(Allison, 1971: 6).

مدل اول عبارت است از مدل بازیگر عقلانی یا خردمند که مطابق با آن، تصمیمات اتخاذی توسط یک بازیگر دولتی مشخص، یک واکنش عقلانی در مقابل یک موقعیت ویژه است؛

1. Risky business: The Role of Arms Sales in U.S Foreign Policy
2. Rational Actor Model
3. Organizational Process
4. Bureaucratic Politics
5. The Essence of Decision
6. Cuban Missile Crisis

بدین ترتیب که دولت‌ها مشخصاً روشی را برمی‌گزینند که در عین نفع حداکثری، ضرر حداقلی را متوجه آنان کند. در مدل سازمانی، دولت‌ها نه به‌عنوان یک تصمیم‌گیرنده واحد، بلکه مجموعه سازمان‌هایی هستند که هر کدام موضع منحصر به خود را در مسائل گوناگون دارند از این رو، تصمیمات اتخاذی از سوی دولت‌ها لزوماً تصمیماتی از روی منطق نبوده و در بهترین حالت خروجی‌ها تنها تا حدودی با هماهنگی با دولت‌ها انجام می‌گردد (براون، ۱۳۸۳: ۱۱) (Lewis, 2007).

اما در مدل سوم، یعنی مدل دیوانی یا بوروکراتیک، تصمیم‌گیری ابعاد گسترده‌تری به خود گرفته و دیگر محدود به ضوابط و چارچوب‌های سازمانی نیست و قواعد مشخص، هم‌چنین دستورالعمل‌های تعیین شده، مرز تصمیم‌گیری را معین نمی‌کند. در این مدل اندازه و ماهیت مسئولیتی که افراد برعهده دارند، در نوع تصمیمات اتخاذی نقش بسزایی دارد از این رو، مدل دیوانی نقش سیاست را به‌طور ویژه در نظر می‌گیرد؛ بدان معنا که بازیگران گوناگون با توجه به گرایشات، علائق و منافع خود در شکل‌دهی و تأثیرگذاری در تصمیم‌گیری‌ها اثرگذار هستند (ملکی، ۱۳۸۲: ۳) (Schultz, 1997).

درواقع آلیسون به این نتیجه می‌رسد که تصمیمات و اقدامات سیاسی، حاصل روابط قدرت موجود در سازمان‌ها و نهادهای تصمیم‌گیر است و اعتقاد دارد که اتخاذ یک تصمیم بازی سیاست شکل می‌گیرد و سیاست‌مداران و افراد مسئول، با استفاده از ظرفیت‌های سازمانی و روش‌های گوناگون که متأثر از نقش و جایگاه آن‌ها در واحد مطبوع‌شان است، سعی در اقناع دیگران و تأثیر هرچه بیشتر بر تصمیم‌گیری‌ها دارند (امام‌جمعه‌زاده، ۱۳۹۴: ۶).

با این اوصاف مطابق الگوی دیوانی، مجموعه‌ای از بازیگران سیاسی از جمله نهادهای فرعی دولتی و غیردولتی، در فرایند تصمیم‌سازی سیاستمداران در ایالات متحده تأثیرگذارند. از بارزترین این عناصر که پس از دوران یازده سپتامبر، تأثیر آن روند رو به رشدی داشته، مجتمع نظامی - صنعتی در آمریکا است که با استفاده از ظرفیت‌های اضلاع متنفذ خود به‌ویژه اندیشکده‌ها و با به‌کارگیری سازوکارهای دراختیار از جمله نفوذ در افراد صاحب‌منصب و مراکز قدرت، سیاست خارجی ایالات متحده را هم‌سو با منافع خود به‌سمت اقدامات جنگ‌طلبانه متمایل نموده است.

سیاست خارجی ایالات متحده در دوران پسا یازده سپتامبر

به‌طور کلی سیاست خارجی ایالات متحده پس از جنگ دوم جهانی به‌سبب رشد نظامی‌گری وارد مرحله نوینی شد؛ رشدی که در ادامه و با جنگ کره شدت یافت و پس از اتمام آن در سال ۱۹۵۳، به بهانه مقابله با گسترش کمونیسم به مرحله ثبات رسید. این مهم در زمان جنگ ویتنام در دهه ۱۹۶۰ روند صعودی را در پیش گرفت و در دهه ۱۹۸۰ و در اوج جنگ سرد تداوم یافت؛ تا جایی که بودجه نظامی آمریکا به بیش از ۵۵۰ میلیارد دلار رسید. در ادامه فروپاشی شوروی باعث کاهش بودجه نظامی در دوران کلینتون گردید؛ لکن هزینه‌هایی که بخش گسترده‌ای از آن در بودجه دیگر قسمت‌ها؛ از جمله بیمه‌های درمانی و بهداشت گنجانده می‌شد، هم‌چنان بالا بود. اما با وقوع حادثه یازده سپتامبر در سال ۲۰۰۱ و در پی آن جنگ با افغانستان و عراق، هزینه نظامی ایالات متحده رشد کم‌سابقه‌ای را تجربه کرد، تا جایی که در سال ۲۰۱۵ به عددی قریب به ۱ تریلیون دلار رسید (Gansler, 2011: 48) (MCCartney & McCartney, 2015:10)؛ اتفاقی که اساساً ماهیت تهدید و چگونگی مواجهه و برخورد با آن را دگرگون کرد. این مسأله را می‌توان در نوع سیاست خارجی اتخاذی ایالات متحده پس از این واقعه مشاهده کرد. استفاده مکرر از واژه‌هایی هم‌چون تروریسم و تروریست که پیش از این کمتر برای مردم آمریکا و حتی سایر نقاط جهان ملموس بود و هم‌چنین اقدامات عملی انجام‌شده در راستای مبارزه با این پدیده، همگی در راستای این تغییرات انجام پذیرفت؛ مسأله‌ای که به‌زعم سیاست‌مداران و مقامات این کشور، راه برون‌رفت از آن تنها از مجاری اتخاذ سیاست‌های تهاجمی و مداخله‌گرایانه می‌گذشت (Leitenberg, 2002:9).

در واقع وقوع این حادثه و بهانه مقابله با تروریسم، منجر به اتخاذ سیاست‌های جنگ‌طلبانه بوش پسر و لشکرکشی به منطقه غرب آسیا و حمله به کشورهای افغانستان و عراق در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ گردید. این تصمیم زمانی گرفته شد که فرد جنگ‌طلبی هم‌چون «دونالد رامسفلد»^۱ در رأس پنتاگون قرار داشت و تنها یک سال از پیروزی بوش در انتخابات ریاست جمهوری می‌گذشت؛ انتخابی که با پیروزی شکننده وی بر رقیبش «الگور»^۲، نیازمند اتفاق ویژه‌ای جهت تضمین پیروزی در انتخابات دور بعدی بود از این‌رو، عایدی این اقدام برای بوش نشستن بر صندلی ریاست کاخ

1. Donald Rumsfeld

2. Albert Arnold Gore Jr

سفید در سال ۲۰۰۴ شد. اما آشکار شدن ابعاد پنهانی اتخاذ سیاست خارجی جنگ طلبانه آمریکا که از دلایل اصلی آن نفوذ لابی فروشندگان تسلیحات بود، تاوان سختی را برای کاندیداهای جمهوری خواهان در انتخابات سال ۲۰۰۶ کنگره به همراه داشت و منجر به شکست سنگین آنان شد؛ مسأله‌ای که در ادامه، پیروزی اوپامای دموکرات را در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸ رقم زد؛ انتخاباتی که به عرصه انتقادات تند باراک اوپاما نسبت به سیاست خارجی جنگ طلبانه جمهوری خواهان در هشت سال قبل از آن تبدیل شده بود (Gholz & Talmadge, Sapolsky & 2017:158).

درواقع در سال‌های پس از حادثه یازده سپتامبر، سیاست خارجی تهاجمی ایالات متحده که محصول نفوذ جریان مجتمع نظامی - صنعتی بود، باعث افزایش تلفات و مجروحان و در پی آن روند صعودی هزینه‌های خدماتی و درمانی گردید. با این حال این جریان به سبب افزایش منافع خود، کماکان اصرار بر ادامه روند جنگ‌ها و اعزام و افزایش حضور سربازان آمریکایی در مناطق درگیر و هم چنین حضور نظامی مستقیم در برخی از کشورها مانند سوریه و عراق داشت؛ موضوعی که سیاست خارجی ایالات متحده را به سمت اتخاذ رفتارهای تنش‌زا متمایل کرد که ثمره آن، افزایش هزینه‌های نظامی آمریکا و تولید بیشتر انواع تسلیحات طی سال‌های اخیر بوده است (Petras, 2014).

در تداوم این روند، باراک اوپاما سیاست خارجی جنگ طلبانه آمریکا را با ارائه مدلی تحت عنوان «جنگ‌های نیابتی»^۱ در سوریه و عراق تداوم بخشید. وی که با شعار محدودسازی اقدامات نظامی و یادآوری سخنان آیزنهاور در خصوص نفوذ جریان مجتمع نظامی - صنعتی بر سر کار آمد، خود مبدع روشی گردید که استمرار افزایش درآمدهای شرکت‌های تسلیحاتی را به همراه داشت. سبک جدید اوپاما در دوره ترامپ نیز تداوم یافت و ضمن فعالیت در سوریه و عراق، کشور یمن نیز به واسطه عربستان سعودی و برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس، آماج حملات سنگین نظامی اقتصادی قرار گرفت (MCCartney & McCartney, 2015:53).

از این رو یکی از اصلی‌ترین سیاست‌های دونالد ترامپ، تقویت پیمانکاران نظامی و فروش هرچه بیشتر تسلیحات تولیدی آن‌ها به دیگر کشورها شد؛ سیاستی که هیچ مانعی را در مقابل خود

نمی‌دید و به انعقاد قراردادهای سنگین تسلیحاتی بی‌سابقه‌ای هم‌چون قرارداد با کشور رادیکالی مانند عربستان سعودی منجر گردید؛ قراردادی که حتی فشار سنگین روانی، هجمه‌های رسانه‌ای و انتقادات برخی از مقامات سابق و فعلی آمریکایی، ناشی از قتل جمال خاشقچی روزنامه‌نگار عربستانی، نیز نتوانست به آن کوچک‌ترین خدشه‌ای وارد نماید. این درحالی بود که ترامپ در سخنرانی معروف انتخاباتی خود با انتقاد شدید از سیاست خارجی اتخاذی اوباما و وزیر امور خارجه اش هیلاری کلینتون، این دو را مسبب ایجاد گروه‌های تروریستی مانند داعش در منطقه غرب آسیا خواند. یا عقد قرارداد فروش انواع جنگ‌افزارها به کره جنوبی به بهانه مهار کره شمالی که همگی در سایه نفوذ بیش از پیش جریان مجتمع نظامی - صنعتی در سیاست‌گذاری‌های مقامات آمریکایی، سیاست خارجی این کشور را متأثر از منافع این جریان به‌سوی اقدامات تنش‌زا و بحران‌آفرین کشانده است و این رفتار، محصول اقدامات اضلاع این جریان به‌ویژه اندیشکده‌های آمریکایی است

جریان مجتمع نظامی - صنعتی آمریکا

آنچه که از کتاب‌ها، مقالات و هم‌چنین گزارشات افراد فعال در حوزه امنیت ملی، سیاست خارجی و دفاعی نظامی در ایالات متحده درخصوص تعریف از مجتمع نظامی - صنعتی حاصل می‌گردد، اشاره به یک جریان قدرتمند سیاسی نظامی دارد که از سه بازوی پیمانکاران نظامی، کنگره و وزارت دفاع آمریکا تشکیل شده است. این سه ضلع که از آن به‌عنوان مثلث آهنین یاد می‌گردد، توانسته‌اند با هم‌پوشانی اقدامات خود، نسبت به سیاست‌سازی برای ارکان تصمیم‌گیر در ایالات متحده مبادرت ورزند که در بسیاری از موارد خالق جنگ و درگیری هستند (Military-Industrial Complex, 2018).

تعاریف صورت‌پذیرفته توسط نویسندگان و محققین داخلی از جریان مجتمع نظامی - صنعتی نیز مشابهت با هم‌تایان آمریکایی است؛ اما نکته قابل توجه در این خصوص، مسأله سه ضلع تشکیل‌دهنده مجتمع نظامی - صنعتی در تعریف عمومی آن است؛ یعنی پیمانکاران نظامی، کنگره و وزارت دفاع آمریکا. بررسی منابع و مصادیق موجود نشان می‌دهد که رکن چهارمی تحت عنوان اندیشکده‌ها نیز در افزایش نفوذ این جریان و تأثیر بر اتخاذ سیاست‌های هم‌سو با منافع خود توسط مقامات آمریکایی، نقش مؤثر و کلیدی را بخصوص در دو دهه اخیر و پس از واقعه یازده سپتامبر

ایفا می‌کند از این رو در ادامه، اندیشکده‌های آمریکایی به‌عنوان یکی از ارکان جریان مجتمع نظامی - صنعتی در ایالات متحده مورد واکاوی قرار می‌گیرند.

با این اوصاف در تعریف مجتمع نظامی - صنعتی آمریکا به یک ساختار چهاروجهی می‌رسیم که متشکل از پیمانکاران نظامی، کنگره، قوه مجریه و هم‌چنین اندیشکده‌ها یا همان اتاق‌های فکر آمریکایی هستند که با قدرت نفوذ خود، در اتخاذ سیاست‌های جنگ‌طلبانه و اختلاف‌افکنانه ایالات متحده و ایجاد جنگ‌های مستقیم و غیرمستقیم، با تصمیم‌سازی و شکل‌دهی به سیاست خارجی ایالات متحده، باعث انعقاد قراردادهای سنگین تسلیحاتی و هم‌چنین فروش بی‌ضابطه انواع جنگ‌افزارهای نظامی با هدف افزایش روزافزون نفوذ و قدرت خود می‌گردند.



شکل ۱. ساختار مجتمع نظامی - صنعتی آمریکا

اما قطعاً نام مجتمع نظامی - صنعتی با نام آیزنهاور، سی‌و‌چهارمین رییس‌جمهور ایالات متحده که در سخنرانی وداع ریاست‌جمهوری خود نسبت به نفوذ خاص این جریان در آمریکا هشدار داده بود، گره خورده است. وی تداوم روند افزایشی بودجه نظامی در دوران جنگ سرد را ناشی از نفوذ قابل‌ملاحظه این جریان دانسته و اذعان می‌دارد که در زمان اتمام دوران ریاست‌جمهوری وی، بخش وسیعی از اقتصاد و صنعت در آمریکا وابسته به فروش تسلیحات نظامی بوده است (Preble, 2011)(Hartung, 2001).

آیزنهاور که خود از فرماندهان ارتش آمریکا در جنگ جهانی دوم بود و از سال ۱۹۵۳، یعنی پایان جنگ کره، تا سال ۱۹۶۱ ریاست‌جمهور این کشور را برعهده داشت، ضمن اشاره به هزینه بالای نظامی در ایالات متحده که در دوره زمامداری وی، به محل مناقشه‌ای بین او و مقامات ارشد

پنتاگون تبدیل شد، معتقد بود که جریان مجتمع نظامی - صنعتی آمریکا محصول دوران ریاست جمهوری «فرانکلین روزولت»^۱ و با هدف افزایش قدرت فدرال است که به تهدیدی جهت اجرای دموکراسی در این کشور تبدیل شده است (Military-Industrial Complex, 2018).

اما بدیهی است که شکل گرفتن یک چنین جریان قدرتمند و اثرگذاری، که عالی‌ترین مقام یک کشور نسبت به نقش و تأثیر روزافزون آن، این گونه ابراز نگرانی و نارضایتی می‌کند، بایستی پیش‌تر از این آغاز شده باشد؛ موضوعی که برخی براین باورند که باید مبدأ آن‌را در سال‌های جنگ استقلال آمریکا جست‌وجو کرد؛ یعنی زمانی که تولید و ساخت ادوات جنگی هنوز با دیدی اقتصادی صورت نمی‌پذیرفت و افراد سازنده، به‌عنوان یک شغل دائمی به آن نمی‌نگریستند. اما به مرور و با تداوم وقوع جنگ‌های گوناگون از جمله جنگ با بریتانیا و مکزیک و لزوم پشتیبانی تسلیحاتی از افراد شرکت‌کننده در این جنگ‌ها، جنبه مادی تولید اسلحه نیز پررنگ شد (Gansler, 2011: 27).

تا جایی که با ورود به قرن جدید و آغاز جنگ اول، ظهور صنعتی به‌نام صنعت اسلحه نیز فراهم شد از این رو، فعالیت شرکت‌های تولیدکننده سلاح طی قرن بیستم با فراز و فرودهایی همراه گردید. جنگ جهانی اول، جنگ جهانی دوم، دوران جنگ سرد و درنهایت فروپاشی شوروی، تکانه‌هایی را به این جریان وارد کرد؛ اما سیر صعودی این جریان با آغاز قرن بیست و یکم و در پی وقوع حادثه یازده سپتامبر در سال ۲۰۰۱، که به اتخاذ سیاست‌های جنگ‌طلبانه توسط مقامات ایالات متحده منجر شد، به اوج خود رسید؛ دورانی که به‌واسطه نفوذ جریان مجتمع نظامی - صنعتی و اضلاع چهارگانه آن، سیاست خارجی ایالات متحده در بسیاری از مناطق جهان در راستای منافع این جریان اتخاذ شده است (Johnson, 2010:209).

اندیشکده‌ها و سیاست خارجی جنگ‌طلبانه آمریکا

به‌طور کلی اندیشکده‌ها، اتاق‌فکرها یا همان «ثینک‌تَنک‌ها»^۲ در ایالات متحده، وظیفه ایده‌پردازی، سیاست‌سازی و تصمیم‌سازی در مسائل گوناگون را برعهده دارند. حوزه نظامی دفاعی نیز یکی از موضوعات جذاب برای بسیاری از اندیشکده‌هاست که تعداد زیادی از آن‌ها را به‌سمت فعالیت در این موضوع ترغیب کرده است. از سوی دیگر اساساً تعداد زیادی از

1. Franklin Delano Roosevelt

2. Think Tanks

اندیشکده‌ها به واسطه کمک‌های مالی صنایع نظامی یا وزارت دفاع آمریکا ایجاد شده و فعالیت می‌کنند. در این میان تعداد زیادی از اعضای آن‌ها به‌عنوان مشاور یا همکار به استخدام پیمانکاران نظامی نیز درآمده‌اند. از طرفی بسیاری از اندیشکده‌های آمریکایی به‌صورت مستقیم یا با واسطه به رژیم‌های جنگ‌طلبی مانند عربستان سعودی و اسرائیل مرتبط هستند. تجمیع این موارد موجب گردیده که خروجی جلسات و همایش‌های این اتاق فکرها، روایت‌هایی مانند تداوم فعالیت و بدون عیب و نقص بودن پروژه اف ۳۵ باشد که با واقعیت‌های میدانی در تناقض است (Pieraccini, 2017).

از جمله این اتاق فکرها، اندیشکده «رند»^۱ است که در سال ۱۹۴۵ و به‌طور مشترک توسط نیروی هوایی ارتش آمریکا و شرکت هوایی داگلاس، با هدف حمایت از پیشرفت‌های صورت گرفته در حوزه نظامی در دوره جنگ دوم جهانی و تداوم این وضعیت در سال‌های پساجنگ، پایه‌گذاری گردید. در ابتدا رند بر دغدغه‌های صنعت هوایی متمرکز بود. این مسأله در سال ۱۹۴۶ که رند به‌عنوان بخشی از شرکت داگلاس افتتاح شد، ادامه داشت؛ اما از سال ۱۹۴۸ که از شرکت داگلاس جدا شد، دایره تحقیقات خود را با استخدام افراد صاحب‌نظر در حوزه‌های گوناگون از جمله امنیت، گسترده‌تر کرد. به همین سبب بود که تحقیقات بر روی برخی از فناوری‌های حوزه دفاعی، از جمله موشک‌ها را نیز برعهده گرفت. در دهه ۱۹۶۰ حوزه فعالیت رند، به دلیل کاهش حمایت‌های مالی نیروی هوایی ارتش، به سبب افزایش تعداد اتاق فکرها، به مسائل سیاسی نیز کشیده شد؛ اما در دهه ۱۹۹۰ اکثر موضوعات مورد مطالعه این اندیشکده، رنگ و بوی امنیت ملی به خود گرفت و این روند کماکان تداوم دارد (Pavelec, 2010:249,250).

اندیشکده‌هایی هم‌چون «بیکر»^۲، «هریتیج»^۳، «امریکن اینترپرایز»^۴، «کاتو»^۵ نیز از جمله اتاق فکرهای حامی شرکت‌های تسلیحاتی هستند از این‌رو، می‌توان ردپای آن‌ها را حتی در اتخاذ تصمیم حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ نیز مشاهده کرد. بر این اساس، افرادی که باعث ترغیب بوش پسر به لشکرکشی به عراق شدند، از اعضای مؤسسه امریکن اینترپرایز، از اندیشکده‌های معروف طرفدار جنگ در آمریکا، بودند. این افراد در سال ۱۹۹۷ طرحی به‌نام «پروژه‌ای برای قرن جدید

1. RAND Corporation
2. Baker
3. Heritage
4. American Enterprise Institute for Public Policy Research
5. Cato

آمریکا^۱ یا همان «پی‌نک»^۲ بنیان نهادند که همواره با استدلال تثبیت نقش رهبری ایالات متحده در حفظ صلح و امنیت جهانی، خواستار افزایش بودجه نظامی بود از این رو، افراد عضو این گروه، که در محل ساختمان اندیشکده امریکن اینترپرایز نیز مستقر بودند، بعد از حادثه یازده سپتامبر در نامه‌ای به بوش خواستار حمله آمریکا به عراق گردیدند (MCCartney & McCartney, 2015:38,39) که این اقدام آن‌ها و دیگر مشاوره‌های منتسب به جریان مجتمع نظامی - صنعتی در کنار عوامل دیگر، دو سال پس از حمله به افغانستان، باعث تصمیم بوش پسر در حمله به عراق گردید.

اعضای پی‌نک از زمان تأسیس در سال ۱۹۹۷ که هم‌زمان با رکود نسبی صنایع تولیدکننده تسلیحات همراه بود، بر این مسأله تأکید داشتند که نباید محوریت ایالات متحده در رهبری جهانی خدشه‌دار شود بنابراین، با ارائه راه‌کارهایی هم‌سو با منافع جریان مجتمع نظامی صنعتی، از جمله افزایش تعداد پرسنل فعال حوزه نظامی دفاعی از ۱/۴ به ۱/۶ میلیون نفر و تغییر الگوهای استقرار نیروها در اروپای شرقی و جنوب شرق آسیا با توجه به نگرانی‌های استراتژیک ایالات متحده در این مناطق، مقامات آمریکایی را تشویق به اتخاذ سیاست‌های جنگ‌طلبانه می‌کردند. از افراد عضو پی‌نک می‌توان «جان بولتون»، «دیک چنی»^۳، «پل ولفوویتز»^۴، «دونالد رامسفلد»^۵، «ریچارد پریل»^۶، «الیوت کوهن»^۷ و «زلمی خلیل‌زاد» را نام برد که هر کدام به تنهایی کلکسیونی از اظهارات رادیکال و جنگ‌طلبانه را در کارنامه خود دارند (MCCartney & McCartney, 2015:39).

نفوذ اندیشکده‌ها در خصوص جنگ سوریه و سیاست‌های ایالات متحده در قبال آن نیز قابل توجه بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در بحبوحه آغاز جنگ سوریه، چندین اندیشکده نقش بسزایی در سیاست‌گذاری مقامات آمریکایی در این زمینه داشته‌اند. اندیشکده‌های «بروکنینگز»^۸، «مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی»^۹ و هم‌چنین «مؤسسه مطالعات جنگ»^{۱۰}، سه اتاق فکری بودند که بیشترین مقالات را با موضوع جنگ سوریه و به جهت اثرگذاری بر

1. Project for the New American Century

2. PNAC

3. Richard Bruce Cheney

4. Paul Dundes Wolfowitz

5. Donald Henry Rumsfeld

6. Richard Norman Perle

7. Eliot Asher Cohen

8. The Brookings Institution

9. Center for Strategic and International Studies

10. Institute for the Study of War

سیاست خارجی آمریکا منتشر کردند. این درحالی است که با نگاهی گذرا به منابع مالی این اندیشکده‌ها، می‌توان ارتباطات آن‌ها با پیمانکاران نظامی را مشاهده کرد. به‌عنوان مثال در سوابق مالی مؤسسه بروکینگز، دریافت بودجه‌های چندصد هزار دلاری از شرکت‌هایی مانند لاکهید مارتین، بوئینگ و نورثروپ گرومن، سه شرکت در زمره برترین پیمانکاران پنتاگون، دیده می‌شود (Global Research News, 2013). این مسأله فارغ از روابط مالی غیررسمی آن‌هاست که به‌صورت بدیهی هیچ‌گاه منتشر نمی‌شود.

البته ارائه پیشنهادات جنگ‌طلبانه از سوی اندیشکده‌ها، امتیازاتی را هم برای اعضای آن داشته و دارد. «فردریک کاگان»^۱ عضو انستیتو امریکن اینترپرایز و همسرش «کیمبرلی کاگان»^۲ رئیس «انستیتو مطالعات جنگ»^۳، از جمله این افراد هستند که با توجه به ارتباطات خود با پیمانکاران نظامی و هم‌چنین مقامات آمریکایی، به اتخاذ سیاست خارجی مداخله‌گرایانه ایالات متحده در افغانستان کمک شایان توجهی کرده‌اند. این دو در سال ۲۰۱۰ حدود یک سال در افغانستان به‌عنوان مشاور «دیوید پترائوس»^۴، رئیس اسبق سازمان سیا که در آن زمان عهده‌دار فرماندهی کل نیروهای آمریکا در مناطق خاورمیانه، شرق آفریقا و آسیای مرکزی موسوم به «سنتکام»^۵ بود، حضور داشتند. هزینه سفر آن‌ها هم توسط دو پیمانکار نظامی به نام‌های «داین کورپ»^۶، که به‌واسطه عقد قرارداد امنیتی ۳ میلیارد دلاری و حضور در باب‌المنذب یمن در لیست تحریم‌های جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت، و هم‌چنین «سی ای سی آی اینترنشنال»^۷، که در زمینه نیروهای نظامی خصوصی فعالیت می‌کند، تأمین گردید (MCCartney & McCartney, 2015:42).

در واقع نفوذ اندیشکده‌ها در ساختار سیاسی ایالات متحده به‌قدری است که در سال‌ها و بخصوص دو دهه اخیر، در بسیاری از تصمیمات اتخاذی مقامات آمریکایی و شکل‌دهی به سیاست خارجی این کشور تأثیر بسزایی داشته‌اند. اتاق فکری که اعضای آن به‌واسطه حضور هم‌زمان در مجامع دانشگاهی، نهادها و سازمان‌های حکومتی، توانسته‌اند با تصمیم‌سازی برای

1. Frederick W. Kagan
2. Kimberly Ellen Kagan
3. Institute for the Study of War
4. David Howell Petraeus
5. United States Central Command
6. DynCorp International
7. CACI International Inc

حکام ایالات متحده، جایگاه خود را در سیاست‌گذاری‌های این کشور تثبیت نمایند؛ موضوعی که در قالب الگوی دیوانی نظریه تصمیم‌گیری آلیسون قرار می‌گیرد، بدین معنا که بازیگران عرصه سیاست با توجه به گرایش‌ها و منافع خود، در شکل‌دهی سیاست‌ها و اتخاذ تصمیم‌گیری‌ها قدرت نفوذ دارند. در این میان روابط دوسویه این مؤسسات با شرکت‌های تولیدکننده تسلیحات نظامی در آمریکا، باعث شده که این اندیشکده‌ها، همواره ارائه سیاست‌های هم‌سو با منافع پیمانکاران نظامی را سرلوحه اقدامات خود قرار دهند.

در سال ۲۰۱۸ تعداد ۲۹ نفر به‌عنوان اعضای کارگروه مشورتی شورای ملی فضایی، از سوی مایک پنس معاون رئیس‌جمهور آمریکا معرفی شدند. در بین اسامی، ضمن حضور افرادی هم‌چون «مریلین هیوسن»^۱ مدیرعامل لاکهیدمارتین، «دنیس مویلنبورگ»^۲ مدیرعامل بوئینگ و «وسلی بوش»^۳ مدیرعامل نورثروپ گرومن، سه پیمانکار بزرگ پنتاگون، نام «دین چنگ»^۴ محقق چینی تبار اندیشکده هریتیج، که مقالات متعددی را با موضوعات دفاعی و فضایی منتشر کرده، نیز به چشم می‌خورد (Heritage Impact, 2018).؛ یعنی جایگاه اندیشکده‌ها و قدرت نفوذ آن‌ها به حدی است که یکی از اعضای آن می‌تواند در عالی‌ترین سطوح ساختار آمریکا حضور یابد، مسأله‌ای که نشان‌دهنده ظرفیت بالای اندیشکده‌ها در قامت یک ضلع قدرتمند جریان مجتمع نظامی - صنعتی است؛ اتاق فکری‌هایی که روابط تنگاتنگ آن‌ها با شرکت‌های تسلیحاتی و میزان تأثیر بالا در حوزه نظامی - امنیتی، باعث نفوذ آنان بر سیاست خارجی ایالات متحده و تأثیر بر تصمیم‌سازی مقامات این کشور گردیده است.

اندیشکده‌ها و پیمانکاران نظامی

(۱) لاکهیدمارتین

همان‌طور که گفته شد، اندیشکده‌ها از اضلاع جریان مجتمع نظامی - صنعتی هستند که نقش مؤثری در پیش‌برد اهداف این جریان ایفا می‌کنند؛ اما این تأثیر نسبت به سه رکن دیگر این جریان با کم‌توجهی مواجه و کمتر به آن‌ها پرداخته شده است. اتاق‌های فکری که به‌واسطه روابط

1. Marillyn Adams Hewson

2. Dennis A. Muilenburg

3. Wesley G. Bush

4. Dean Cheng

تنگاتنگ خود با شرکت‌های تسلیحاتی از یک سو و ارتباطات مستمر با مقامات و تصمیم‌سازان آمریکا از سوی دیگر، همواره سیاست خارجی اتخاذی این کشور را در جهت منافع پیمانکاران نظامی که هم‌سو با منافع خود آن‌هاست، متمایل می‌کند. یکی از این شرکت‌ها لاکهیدمارتین، بزرگترین پیمانکار نظامی جهان است، که به واسطه ارتباطات وسیع خود با اندیشکده‌ها و استفاده از ظرفیت آن‌ها، نسبت به افزایش درآمدهای خود اقدام نموده است.

از مصادیق این مسأله می‌توان به روابط لاکهیدمارتین با مرکز مطالعات بین‌المللی استراتژیک یا «سی اس آی اس»^۱ اشاره کرد؛ رابطه‌ای که می‌توان آن را در قالب تأمین مالی پروژه دفاع موشکی این مرکز مشاهده کرد. در حالی که براساس آمار ارائه شده از سوی این اندیشکده، لاکهیدمارتین در بین ده شرکت نخست حامی این مرکز نیز قرار دارد؛ موضوعی که می‌تواند دلیل موجهی برای مدیر پروژه دفاع موشکی در سی اس آی اس جهت دفاع از سیستم موشک‌های تاد ساخت شرکت لاکهیدمارتین و استقرار آن در کره جنوبی به بهانه مقابله با تهدیدات کره شمالی باشد (Johnson, 2017)(Corporation and Trade Association Donors, 2020).

اما یکی از شیوه‌های اندیشکده‌ها جهت رونق بخشیدن به درآمدهای پیمانکاران نظامی، انتشار گزارشات و مقاله‌هایی با ماهیت تشویق به نزاع و درگیری است تا با این اقدام و القای فضای ناامنی، بتوانند ضمن ترغیب مقامات آمریکایی به توسعه هرچه بیشتر صنایع تسلیحاتی مانند لاکهیدمارتین، کشورهای هدف را به سمت خریدهای تسلیحاتی بیشتر سوق دهند. یا اینکه با بیان دلایل متعددی از جمله حفظ ثبات و صلح جهانی، لزوم فروش جنگ‌افزارهای نظامی به دیگر کشورها را توجیه کنند. مصداق بارز این مسئله دو اندیشکده «هریتیج»^۲ و «پی‌نک» هستند که در موارد متعددی نسبت به حمایت از سیاست‌های تهاجمی و جنگ طلبانه ایالات متحده از جمله لشکرکشی به افغانستان و عراق در زمان بوش پسر اقدام کرده‌اند. این مراکز حامی سرسخت افزایش بودجه نظامی، ارتقای روزافزون تسلیحات و فروش انواع جنگ‌افزارها به متحدین آمریکا هستند.

پی‌نک در دوره ریاست جمهوری بیل کلینتون پا به عرصه وجود گذاشت و اعضای آن افراد جنگ طلبی هم چون «بروس جکسون»^۳، معاون وقت لاکهیدمارتین، بودند که در سال ۲۰۰۰ و قبل

1. CSIS
2. Heritage Foundation
3. Bruce Pitcairn Jackson

از پیروزی جرج بوش پسر در انتخابات ریاست جمهوری، گزارشی را تحت عنوان «بازسازی دفاع آمریکا»^۱ ارائه کردند. بسیاری از پیشنهادات موجود در این گزارش توسط بوش و به واسطه جنگ با افغانستان و عراق صورت پذیرفت و تسلیحات ساخت لاکهیدمارتین از جمله موشک‌های «هلفایر»^۲، سامانه موشکی «ام ال آر اس»^۳ و هم‌چنین جنگنده‌های اف ۱۶ در این دو جنگ خصوصاً عراق، مکرراً مورد استفاده ارتش ایالات متحده قرار گرفت. در این میان آمارها به نقل از «جوزف استیگلیتز»^۴، برنده نوبل اقتصاد، نشان‌دهنده هزینه ۳ تریلیون دلاری آمریکا در جنگ با عراق است؛ هزینه‌ای که در ازای کشته و زخمی شدن سربازان آمریکایی و هم‌چنین مردم عراق، بر درآمد شرکتی مانند لاکهیدمارتین می‌افزاید. البته وابستگی پی‌نک تنها به حضور جکسون خلاصه نمی‌شد، تا جایی که حتی نگارنده این گزارش یعنی «توماس دانلی»^۵ بعدها به‌عنوان یکی از مدیران عالی‌رتبه لاکهیدمارتین مشغول به کار شد. این مهم در حالی به وقوع پیوست که لاکهیدمارتین در بین ده شرکت برتر تأمین‌کننده مالی این اتاق فکر قرار داشت (Hartung, 2012:95,97).

دیگر اندیشکده آمریکایی، بنیاد هریتیج است که در مقاله‌ای در سال ۲۰۰۹، با تشریح توانایی‌های نظامی ایالات متحده و ادعای موفقیت استراتژی‌های دفاعی آمریکا از زمان جنگ جهانی دوم به بعد، که به واسطه افزایش تولید تسلیحات توسط پیمانکاران نظامی صورت پذیرفته، این موضوع را باعث ایجاد قدرت بازدارندگی و برتری آمریکا در جنگ‌ها دانست. این گزارش لزوم تداوم روند به‌روزرسانی در فناوری‌های صنعت دفاعی و دلیل ارتقای جنگ‌افزارها و تسلیحات نظامی آمریکایی و برنامه صادرات آن‌ها را، عامل تثبیت منافع این کشور و هم‌چنین حفظ ثبات بین‌المللی عنوان می‌کند؛ بدین معنا که فروش تسلیحات به سایر کشورها و هم‌چنین تولید قطعات جنگ‌افزارهای نظامی در خارج از مرزهای ایالات متحده، باعث کارآمدتر شدن و گسترده‌گی صنعت دفاعی آمریکا شده است (Choudry, 2008).

در این راستا پس از اینکه در سال ۲۰۱۰، بوئینگ شرکت سازنده جنگنده اف ۱۸ اعلام کرد که حاضر است فناوری این جنگنده را با ژاپن به اشتراک بگذارد، اندیشکده هریتیج که ارتباط

1. Rebuilding America's Defenses
2. AGM-114 Hellfire
3. M270 Multiple Launch Rocket System
4. Joseph Eugene Stiglitz
5. Thomas Donnelly

تنگاتنگی با پیمانکاران دفاعی از جمله لاکهیدمارتین دارد، در گزارشی پیشنهاد به کارگیری شیوه بوئینگ در دیگر تجهیزات نظامی از جمله جنگنده اف ۲۲ و اف ۳۵ ساخت لاکهیدمارتین را ارائه کرد. هریتیج در ادامه از رژیم صهیونیستی و کشورهای ژاپن و هند به عنوان شریکان استراتژیک آمریکا جهت انعقاد قراردادهای به اشتراک گذاری فناوری ساخت جنگنده‌های مذکور نام می‌برد تا به زعم خود، ضمن تقویت صنعت دفاعی هم‌پیمانان ایالات متحده، درآمدهای حاصل از فروش تسلیحات پیمانکاران نظامی نیز افزایش یابد (Eaglen & Salmon, 2011).

این اندیشکده در سال ۲۰۱۵ و پس از امضای توافق هسته‌ای توسط ایران و گروه ۵+۱ در گزارشی به قلم «بروس کلینگر»^۱، افسر سابق سازمان سیا در امور کره، با پرداختن به موضوع کره شمالی، ضمن غیرقابل اصلاح دانستن این کشور، آن را به عنوان تهدید هسته‌ای و موشکی معرفی می‌کند که جهت مقابله با آن، بایستی دو کشور کره جنوبی و ژاپن نسبت به ارتقای سیستم‌های دفاع موشکی خود و افزایش تعداد آن‌ها، از جمله سامانه‌های تاد ساخت شرکت لاکهیدمارتین و پاتریوت که محصول ریتون و لاکهیدمارتین است، اقدام نمایند. کلینگر با توجه به سبقه خود و آشنایی کامل با جغرافیای شبهه جزیره کره، با تشریح سناریوهای روند رو به رشد تسلیحات هسته‌ای و توان موشکی کره شمالی و با ایجاد یک فضای بحرانی برای کره جنوبی و ژاپن و هم‌چنین بزرگ‌نمایی در توانمندی سامانه‌های پدافندی ساخت آمریکا در مقابله با تهدیدات کره شمالی، این دو کشور را به خرید تسلیحات بیشتر از پیمانکاران نظامی مانند لاکهیدمارتین ترغیب می‌کند (Klingner, 2015).

اندیشکده بروکینگز دیگر بنیاد فعال است که به عنوان پرنفوذترین و قدرتمندترین اتاق فکر در ایالات متحده شناخته می‌شود. این اندیشکده در مقاله‌ای در سال ۲۰۱۳ و به قلم «مایکل اوهانلون»^۲، مدیر بخش تحقیقات سیاست خارجی این مرکز و متخصص در امور دفاعی نظامی و امنیت مل،^۳ با اشاره به انتقادات صورت گرفته به هواپیمای اف ۳۵ از سوی برخی از کارشناسان، محاسن و نقاط قوت این جنگنده را بسیار بیشتر از نقاط ضعف آن دانسته و به آن‌ها می‌پردازد. وی با تهدید دانستن چین و ایران، استفاده از جنگنده‌های عمودپرواز اف ۳۵ لاکهیدمارتین را یکی از بهترین ابزارها در جنگ احتمالی با این کشورها در مناطق اوکیناوا و خلیج فارس می‌داند. اوهانلون

1. Bruce Klingner
2. Michael Edward O'Hanlon

با اذعان به هزینه‌های بیشتر این جنگنده نسبت به هواپیماهایی مانند اف ۱۶ و اف ۱۸، پیشنهاد می‌کند که وزارت دفاع، هم‌چنان به روند سفارش ساخت این جنگنده تداوم دهد. این درحالی است که با نگاهی گذرا به منابع مالی این اندیشکده، می‌توان دریافت هزینه‌های مالی از شرکت لاکهیدمارتین را مشاهده کرد؛ روابط دوسویه‌ای که سیاست خارجی ایالات متحده را به سمت ایجاد جنگ و درگیری در اقصی نقاط دنیا سوق داده است (Global Research News, O'Hanlon, 2013).

۲) بوئینگ

اندیشکده‌ها به کمک بوئینگ هم آمده و این شرکت تسلیحاتی را در جهت فروش و تولید بیشتر و هم چنین اختصاص بودجه‌های سنگین جهت تحقیقات و توسعه، با هدف تولید فناوری‌های نوین یاری می‌کنند. در این راستا اندیشکده رند در یکی از گزارشات خود در سال ۲۰۰۷ با برشمردن مزایای جنگنده اف ۲۲ و اشاره به عقد قرارداد خرید این جنگنده توسط وزارت دفاع، با تشویق کنگره و هم چنین پنتاگون به عقد یک قرارداد سه‌ساله به جای سه قرارداد در هر سال، مدعی شد که با این اقدام هزینه‌های مربوط به این پروژه بیش از ۴۱۰ میلیون دلار کاهش خواهد یافت. نگارندگان گزارش ضمن ادعای بررسی میدانی از شرکت‌های اصلی سازنده یعنی لاکهیدمارتین، بوئینگ و «پرت اند ویتنی»^۱، اظهار داشتند که یک توافق چندساله، برنامه‌ریزی بهتر، صرفه‌جویی بیشتر در پروژه و به تبع آن کاهش هزینه‌های تولیدکنندگان را به همراه خواهد داشت (RAND Study Estimates Multiyear Purchase of F-22A Fighters Would Save Air Force Hundreds of Millions of Dollars, 2007).

در مبادلات تجاری این موضوع تعریف شده است که به تبع افزایش مدت و حجم قراردادها، قیمت تمام شده نیز کاهش خواهد یافت و این مسأله، یکی از فاکتورهایی است که تمام شرکت‌ها جهت کسب سود بیشتر آن‌را به خریدار پیشنهاد می‌کنند؛ یعنی شرکت تولیدکننده منافع بیشتری را از قرارداد منعقدشده نصیب خود می‌نماید. اما با نگاه عمیق‌تر به این گزارش می‌توان به این مسأله پی برد که آنچه در ظاهر این گزارش به آن پرداخته شده، کاهش هزینه‌های دفاعی و صرفه‌جویی در میزان هزینه پنتاگون است؛ لکن بررسی سابقه اندیشکده رند و هم چنین کندوکاو حامیان مالی آن نشان می‌دهد که اکثر پیمانکاران نظامی از جمله شرکت بوئینگ، در رأس حمایت‌کنندگان

1. Pratt & Whitney

مالی این اتاق فکر قرار دارند از این رو، بدیهی است که منافع آن‌ها نیز در اولویت تحقیقات منتشره توسط این اندیشکده قرار خواهد گرفت.

بنیاد هریتیج دیگر اتاق فکر حامی پیمانکاران نظامی در مقاله‌ای در سال ۲۰۰۹ و به قلم «کیم هلمز»^۱، از معاونین آن که سابقه معاونت وزیر امور خارجه آمریکا در امور سازمان‌های بین‌المللی در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ را نیز در کاناامه خود دارد، با بزرگ‌نمایی تهدیدات متصوره از توانایی موشکی ایران و کره شمالی، از کاهش بودجه سامانه دفاع موشکی بر دبلند آمریکا توسط دولت اوپاما انتقاد می‌کند. هلمز در ادامه، فناوری انهدام موشک توسط امواج لیزر را که بر هواپیمای بهینه‌شده بوئینگ ۷۴۷ نصب می‌گردد، تا حد بسیار زیادی موفق ارزیابی کرده و آنرا شایسته اختصاص بودجه بیشتر می‌داند (Holmes, 2009).

این اندیشکده که یک اتاق فکر فعال در حوزه سیاست‌گذاری و دفاعی است، در مقاله‌ای دیگر که در سال ۲۰۱۱ منتشر شده، با انتشار اظهارات وزیر دفاع اسبق انگلستان مبنی بر انتقاد از سپری شدن بیش از ۳ سال از زمان امضای پیمان همکاری تجاری - دفاعی ایالات متحده با این کشور و عدم تصویب آن از سوی مجلس سنای آمریکا، این مسأله را از موانع فروش و کسب درآمدهای دفاعی کشور دانسته است. نویسنده مقاله که عضو شورای روابط خارجی هم هست، با بیان حمایت اوپاما از این معاهده، عدم اجرای آن را با استدلال طولانی شدن روند صادرات تسلیحات و اشاره به درخواست صدور هزاران مجوز در سال جهت فروش تسلیحات به خارج از کشور، در تضاد با منافع ملی آمریکا دانسته و خواستار فشار بیشتر رئیس‌جمهور بر سنا جهت تصویب آن است. وی با بیان روابط استراتژیک انگلستان و آمریکا، خصوصاً اشاره به همکاری این کشور در جنگ افغانستان، لزوم تسهیل موفقیت‌های در صحنه نبرد را اجرای هرچه سریع‌تر این معاهده عنوان می‌کند (Holmes, 2011).

بنیاد هریتیج از حامیان انتصاب «پاتریک شاناهان»^۲ به‌عنوان وزیر دفاع نیز بود. این اندیشکده در مقاله‌ای در سال ۲۰۱۹، با برشمردن سوابق شاناهان، وی را نسبت به دیگر گزینه‌های احتمالی، فردی با توانایی بیشتر جهت ارتباط‌گیری با متحدین و شریکان استراتژیک آمریکا دانسته و با اشاره به سبقه فعالیت وی در بوئینگ، این مسأله را نه تنها یک نکته منفی، بلکه به‌عنوان یک امتیاز

1. Kim R. Holmes
2. Patrick Michael Shanahan

مثبت برای مسئولیت پنتاگون ارزیابی می‌کند. این درحالی بود که برخی از منتقدین پس از اعلام شاناهان به‌عنوان گزینه وزیر دفاع از سوی دونالد ترامپ، وی را فاقد تجربه نظامی‌گری می‌دانستند. از این رو، این اتاق فکر با بیان غیرمعمول‌ندانستن این مسأله بین رؤسای پنتاگون، اظهار داشت که از زمان ژنرال «جورج سی مارشال»^۱ در دهه ۱۹۵۰ تا انتصاب «جیمز متیس»^۲ در سال ۲۰۱۷، همواره افرادی بدون سوابق حضور در ارتش به این سمت منصوب می‌شدند. این درحالی بود که حضور بیش از ۳۰ ساله شاناهان در سطوح عالی مدیریتی شرکت بوئینگ، دومین شرکت تولیدکننده تسلیحات نظامی در جهان، که کماکان در بسیاری از قراردادها در حال رقابت با دیگر پیمانکاران بود، مورد نقد منتقدین قرار گرفته بود (Spoehr, 2019).

اندیشکده «مؤسسه تحقیقات سیاست خارجی»^۳ نیز از دیگر مرتبطین شرکت‌های تسلیحاتی است که در حوضه‌های امنیت ملی، سیاست خارجی و روابط بین‌الملل فعالیت می‌کند. این اتاق فکر در سال ۲۰۱۲ اسامی سه عضو جدید هیأت امنای خود را اعلام کرد که در میان این سه تن، نام «هیلارد تورگرسون»^۴ نیز دیده می‌شد. وی در کارنامه خود سابقه فعالیت طولانی‌مدت در شرکت بوئینگ را و مسئولیت دو پروژه «وی ۲۲ اسپری»^۵ و «شینوک ۴۷»^۶ را نیز داشته است که در زمان تصدی وی، صادرات این محصول به دو کشور انگلستان و کانادا نیز تسهیل گردید (FPRI Elects Three New Members of Trustees, 2012).

این اندیشکده در سال ۲۰۱۴ با انتشار مقاله‌ای به موضوع فعالیت زیردریایی‌های چین و هند در اقیانوس هند پرداخت و با اشاره به عبور زیردریایی هسته‌ای چین و رسانه‌ای کردن آن توسط این کشور، این موضوع را اقدامی بی‌سابقه عنوان کرد که به سبب روابط نظامی هند با تایوان به‌ویژه در مباحث مربوط به حوزه دریایی صورت گرفته است. نگارنده گزارش در ادامه با برشمردن کمک‌های نظامی هند از جمله آموزش نظامی به دریانوردان و همچنین تأمین قطعات کشتی‌های جنگی ویتنامی، تشدید فعالیت چین در اقیانوس هند را به تلافی این اقدامات دانسته و پیشنهاد می‌دهد که هند بایستی در جهت تقویت بنیه دفاعی خود در مواجهه با تحرکات چین اقدام نماید.

1. George Catlett Marshall
2. James Norman Mattis
3. Foreign Policy Research Institute
4. Hillard R. Torgerson
5. The Bell Boeing V-22 Osprey
6. The Boeing CH-47 Chinook

نویسنده با تحسین هند به سبب عقد قرارداد خرید ۱۲ فروند هواپیمای گشتی شناسایی «پی ۸ پوسایدون»^۱ در سال ۲۰۰۸ و تمجید از عملکرد این محصول شرکت بوئینگ در شناسایی و رصد زیردریایی‌های چینی، این خرید را عاملی جهت مهار و کنترل فعالیت‌های این کشور در اقیانوس هند معرفی می‌کند (Chang, 2014)؛ اقدامی که به واسطه هم‌سوی بودن منافع این اندیشکده با پیمانکاران نظامی و در جهت تأثیرگذاری بر سیاست خارجی ایالات متحده، این کشور را به سمت اتخاذ سیاست‌های تنش‌زا متمایل کرده است.

از دیگر موارد به کارگیری افراد منتسب به اتاق فکرهای آمریکایی در شرکت‌های تسلیحاتی، می‌توان به کارولین کندی اشاره کرد که فرزند رئیس‌جمهور اسبق آمریکا، جان اف کندی و پیش از این و در دوران ریاست‌جمهوری باراک اوباما در سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ سفیر ایالات متحده در ژاپن بود و در سال ۲۰۱۷ و پس از اتمام فعالیت خود در ژاپن، به سمت مدیریت قسمت حساسرسی و مالی هیئت‌مدیره بوئینگ منصوب شد. کندی هم‌زمان از سال ۲۰۱۸ در اندیشکده آمریکایی «بنیاد کارنگی»^۲ مشغول به کار بوده است (Ford, 2018)؛ موضوعی که تأییدی بر روابط تنگاتنگ این دو ضلع جریان مجتمع نظامی - صنعتی؛ یعنی پیمانکاران نظامی و اندیشکده‌ها است، بدین معنا که اندیشکده‌های آمریکایی توانسته‌اند با استفاده از ظرفیت‌های در اختیار خود و ارتباطات پیوسته با شرکت‌های تسلیحاتی مانند بوئینگ، نسبت به افزایش ضریب نفوذ خود و توانایی اثرگذاری بر تصمیمات اتخاذی مقامات آمریکایی در حوزه سیاست خارجی مبادرت ورزند که هم‌سو با منافع پیمانکاران است؛ اقداماتی که گراهام آلیسون در الگوی بوروکراتیک، تحت عنوان به کارگیری از ظرفیت‌های در اختیار جهت تأمین منافع به آن‌ها اشاره می‌کند.

۳) نورثروپ گرومن

همان‌طور که پیش از این نیز گفته شد، اندیشکده‌های آمریکایی در راستای اشتراک منافع خود با شرکت‌های تسلیحاتی، نسبت به ارائه گزارش‌ها و مقالات هم‌سو با این صنایع مبادرت می‌ورزند؛ اقدامی که در سایه ارتباطات نزدیک این دو ضلع جریان مجتمع نظامی - صنعتی و با استفاده از ظرفیت آن‌ها، از جمله به کارگیری بسیاری از مدیران پیمان‌کاران نظامی به‌عنوان عضو اندیشکده‌ها و بالعکس، صورت می‌پذیرد. به همین جهت شرکت‌های برتر تولیدکننده تسلیحات

1. The Boeing P-8 Poseidon
2. Carnegie Corporation

هم‌چون نورثروپ گرومن، همواره مورد حمایت و پشتیبانی این اتاق فکرها قرار می‌گیرند که این مسئله در کنار نفوذ برخی از رژیم‌های رادیکال در تصمیم‌گیری‌ها، موجب اتخاذ سیاست‌های جنگ‌طلبانه ایالات متحده شده است.

موضوعی که می‌توان در بررسی سوابق و اقدامات افرادی هم‌چون پل ولفوویتز مشاهده کرد. در واقع نقطه مشترک تفکرات شخصی مانند ولفوویتز با سابقه مدیریت در شرکت نورثروپ گرومن و لابی رژیم صهیونیستی در دولت آمریکا، باعث شده که سیاست‌های اتخاذی آن‌ها در مواجهه با دیگر کشورها بحران‌آفرین و تنش‌زا باشد. در این میان به سبب توجه جریان مجتمع نظامی - صنعتی و گروه‌های وابسته به آن به اسرائیل، نقش اندیشکده‌هایی که مشترکاً توسط لابی گران وابسته به اسرائیل و پیمان‌کاران نظامی، حمایت مالی و معنوی می‌شوند نیز قابل ملاحظه است. اتاق فکری که تداوم اتخاذ سیاست‌های حمایتی تسلیحاتی از رژیم صهیونیستی را رقم زده و منطقه غرب آسیا را دچار بحران کرده‌اند. اندیشکده‌هایی مانند «مؤسسه امریکن اینترپرایز»^۱، «مرکز سیاست امنیتی»^۲ و سی‌اس‌آی‌اس، ضمن تأمین مقادیر زیادی از منابع درآمدی خود توسط پیمانکاران نظامی، بسیاری از اعضای‌شان را هم در سال‌های اخیر در کابینه دولت‌ها و هم‌چنین در پست‌های مدیریتی و مشورتی وزارت دفاع به کار گرفته‌اند (Hossein-Zadeh, 2006).

به همین جهت اندیشکده‌های آمریکایی در ترغیب مقامات این کشور جهت تداوم و افزایش فروش تسلیحات به عربستان سعودی، که از کشورهای صاحب‌نفوذ در بین حکام آمریکایی است، تلاش وافرانی انجام می‌دهند. سی‌اس‌آی‌اس هم‌زمان با سفر ترامپ در مقاله‌ای با تأیید این اقدام، ثمرات این سفر را مثبت ارزیابی کرد. موضوعی که بررسی سوابق این اتاق فکر، به‌خوبی دلیل موضع‌گیری آن‌را روشن می‌کند؛ جایی که بیشترین دریافتی خود را از شرکت‌های تسلیحاتی هم‌چون نورثروپ گرومن کسب نموده و طبق آمارهای منتشرشده در سال ۲۰۱۶، بزرگترین کمک‌های دولتی را بعد از آمریکا، از عربستان سعودی و با سهم قابل توجه ۲۷ درصد دریافت کرده است. به همین جهت بدیهی است که ترامپ در سفر خود به عربستان از این کشور به‌عنوان یک مدل نمونه برای جهان اسلام یاد کرده و ایران را که در راه مبارزه با گروه‌های تروریستی مانند داعش، هزینه‌های بسیاری کرده است، آماج حملات لفظی خود قرار دهد (Gunnar, 2017).

1. American Enterprise Institute

2. Center for Security Policy

در همین راستا نقش اتاق فکرها در اتخاذ سیاست‌های ایالات متحده در قبال جنگ با سوریه نیز قابل ملاحظه است. اندیشکده‌هایی مانند مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی، بیشترین مقالات را با موضوع این جنگ و به جهت اثرگذاری در سیاست خارجی آمریکا در قبال آن منتشر کردند. این درحالی است که این اتاق فکر از مشاورینی مانند «مارگارت سیدنی اشورت»^۱ بهره می‌برد که پست مدیریت ارشد در شرکت نورثروپ گرومن داشته و از لابی‌گران این شرکت محسوب می‌گردد. بر این اساس منطقی به نظر می‌رسد که این اندیشکده، سیاست‌های جنگ طلبانه هم‌سو با منافع نورثروپ گرومن را در گزارشات و مقالات خود منتشر کند (Global Research News, 2013)(Revolving Door, 2020).

از سویی حمایت پیمانکاران از طرح‌ها و پروژه‌های اندیشکده‌ها در حوزه مسائل نظامی - امنیتی نیز امری مسبوق به سابقه است که با استدلال هم‌سو بودن با منافع آن‌ها توجیه می‌گردد. در این میان می‌توان به برنامه پروژه امنیت هوایی اشاره کرد که مربوط به مبحث سیستم دفاعی موشکی ایالات متحده می‌شد که در اتاق فکر سی‌اس‌آی‌اس در حال انجام بود و پشتیبانی شرکت‌های تسلیحاتی هم چون نورثروپ گرومن را به همراه داشت. در واقع حمایت از این گونه پروژه‌ها از دلایل حضور شرکت نورثروپ گرومن در رتبه‌های بالای لیست پیمانکاران حامی مالی سی‌اس‌آی‌اس محسوب می‌گردد (Naureckas, 2017).

به همین دلیل است که حمایت اندیشکده‌ها از تولیدات پیمانکاران نظامی جزو اولویت‌های آنان است. بر این مبنای هریتیج در مقاله‌ای در سال ۲۰۰۵ با اشاره به فراوانی «سیستم‌های دفاع هوایی قابل حمل»^۲ و خطر استفاده گروه‌های تروریستی از آن‌ها علیه هواپیماهای مسافربری در زمان برخاستن و فرود به سبب ارتفاع پایین، به تعداد هواپیماهای سرنگون شده و هم‌چنین تعداد کشته‌شدگان در این گونه موارد پرداخته و شرکت‌های هوایی و هم‌چنین فرودگاه‌ها را ترغیب به استفاده از سامانه‌های «ضدسیستم دفاع هوایی قابل حمل»^۳ می‌کند. نویسنده در ادامه با ذکر اسامی شرکت‌های نورثروپ گرومن و ریتون، به توانایی دو شرکت فعال در ساخت سامانه‌های مقابله با این موشک‌ها پرداخته و حتی اعضای کنگره آمریکا را نیز تشویق به فراهم کردن شرایط آسان‌تر فروش خارجی این سیستم و رفع موانع صادرات آن می‌کند (Kochems & Gentilli, 2005).

1. Margaret Sidney Ashworth
2. Man-portable air-defense systems
3. counter- Man portable air-defense systems

در نگاه اول خواننده استنباط می‌کند که این مقاله در راستای منافع ملی آمریکا یا جلوگیری از اقدامات تروریستی منتشر شده است؛ اما نکته‌ای که در این خصوص بایستی بدان توجه کرد، مشهورترین تولیدکننده سیستم دفاع هوایی قابل حمل است که محصول کشور آمریکا می‌باشد. این سیستم با نام «اف آی ام ۹۲ استینگر»^۱ شناخته شده که طراحی و ساخت آن توسط دو غول تسلیحاتی جهان که در بین پنج پیمانکار نظامی برتر جای دارند؛ یعنی شرکت جنرال داینامیکس و شرکت ریتون، صورت می‌پذیرد (Alex, 2019).

یعنی پیمانکاران نظامی آمریکایی با تولید یک سلاح و فروش بدون ضابطه و تنها با هدف کسب سود بیشتر اقدام نموده و پس از فراگیری استفاده از این سلاح و تهدیدات متصوره از سوی آن، مجدداً دست به کار شده و با توجه به اینکه سلاح مذکور ساخت خود آن‌هاست، بالتبع بهتر از سایرین توانایی تولید سیستم مقابله با آن‌را نیز دارند از این رو، با فروش این سیستم سود مجددی را نصیب خود می‌کنند. این اقدام پیمانکاران نظامی به مثابه کسب سود از فروش زهر و پادزهر است؛ اما در این میان حمایت اندیشکده‌های آمریکایی از این پیمانکاران، که بایکدیگر روابط تنگاتنگی دارند، نیز عیان است.

بر همین مبنا، مؤسسه رند در سال ۲۰۱۳ در مقاله‌ای با استناد به اطلاعات منتشره «دفتر آمار کار»^۲ به آسیب‌شناسی وضعیت افراد شاغل در حوزه هوافضا در آمریکا پرداخت. در این گزارش اشاره شد که در بازه زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۰ که در واقع اوج دوران اجرای سیاست ادغام صنایع نظامی و هم‌چنین رویدادهای پسا یازده سپتامبر و تشدید سیاست‌های جنگ طلبانه ایالات متحده بوده است، تعداد مهندسين این حوزه با افزایش بیش از ۶۰ درصدی از ۷۹ هزار به ۱۲۹ هزار نفر رسیده است؛ اما این اندیشکده با ابراز نگرانی از اینکه تا ۱۰ الی ۲۰ سال بعد (۲۰۲۰ تا ۲۰۳۰) بسیاری از این افراد در آستانه بازنشستگی قرار می‌گیرند؛ تثبیت روند توسعه‌ای پروژه‌های تسلیحاتی از جمله ساخت جنگنده‌های نسل جدید را در حفظ وضعیت موجود نیروی انسانی می‌بیند که با تداوم این روند، به مخاطره می‌افتد (Arena & Graser & DeLuca, 2013:6).

1. The FIM-92 Stinger

2. Bureau of Labor Statistics

از طرف دیگر رند با پرداختن به تبعات منفی ناشی از کاهش درآمد پیمانکاران دفاعی بزرگ و با ذکر نام شرکت‌های لاکهیدمارتین، بوئینگ و نورثروپ گرومن و هم‌چنین نمایش جدول سود فروش این صنایع در بازه زمانی ۱۹۷۵ تا ۲۰۱۰، ضمن اذعان به سودآوری این شرکت‌ها در بازه زمانی حدوداً ۳۵ ساله، به سال‌های کاهش فروش و دلایل آن‌ها می‌پردازد. مقاله مزبور دلایل عدم سود دو شرکت لاکهیدمارتین و بوئینگ را در سال‌های پایانی دهه ۱۹۹۰، ناشی از رکود اواخر این دهه به دلیل عواملی هم‌چون تغییرات ساختاری و قراردادهای زیان‌ده ذکر کرده و با عدم اشاره به دلایل سود منفی شرکت نورثروپ گرومن در اوایل دهه ۱۹۸۰، تأکید بر سودآوری تقریباً همیشگی این سه پیمانکار در بازه زمانی مذکور دارد. این درحالی است که در بازه زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ که بازه مورد مطالعه مقاله نیز بود، «ادوارد هارشرگر»^۱ از اعضای رند و مدیر «پروژه نیروی هوایی»^۲ این اندیشکده، به مدت ۵ سال مدیریت توسعه استراتژیک شرکت نورثروپ گرومن را نیز بر عهده داشته است (Arena et al, 2013:7) (Edward R. Harshberger, 2020).

اندیشکده «وودرو ویسلون» مصداق دیگری است که از ۳۰ سال پس از تأسیس خود، یعنی از سال ۱۹۹۸، جوایزی را تحت عنوان پاسداشت ارزش‌ها و حفظ میراث آمریکا اهدا می‌کند. این جایزه در سال ۲۰۱۸ نصیب «هنری کیسینجر» سیاست‌مدار کهنه کار ایالات متحده گردید. در سال ۲۰۱۹ اما، یکی از دریافت‌کنندگان جایزه مذکور مدیرعامل شرکت نورثروپ گرومن، «وس بوش»^۳ بود، درحالی که یکی از حامیان اصلی این اندیشکده در سال‌های فعالیت آن، که در کنار بسیاری از دیگر شرکت‌ها از این اتاق فکر حمایت مالی داشته‌اند، شرکت نورثروپ گرومن بوده است (The Wilson Policy Council, 2020) (Award for Global Corporate Citizenship, 2019).

نتیجه‌گیری

دوران پسا یازده سپتامبر به واسطه اتخاذ سیاست خارجی بحران‌آفرین ایالات متحده، همواره اسباب ایجاد تنش، اختلاف و حتی جنگ داخلی را در بسیاری از نقاط جهان فراهم کرده است؛ سیاستی که یکی از دلایل اصلی آن‌را باید جریانی تحت عنوان مجتمع نظامی - صنعتی و نفوذ آن

1. Edward R. Harshberger
2. Project AIR FORCE
3. Wesley G. Bush

در ساختار قدرت در آمریکا دانست، جریانی که به واسطه ارکان متنفذ خود شامل قوه مجریه به سردمداری پنتاگون، کنگره، پیمانکاران نظامی و اندیشکده‌ها توانسته است در دو دهه اخیر، نقش غیرقابل انکاری در افزایش جنگ، درگیری و ایجاد جنگ داخلی در بسیاری از مناطق ایفا می‌کند. مسأله‌ای که با مؤلفه‌های الگوی بوروکراتیک نظریه تصمیم‌گیری گراهام آلیسون، یعنی اعمال قدرت و تصمیم‌سازی عوامل صاحب نفوذ در نهادهای مؤثر با هدف کسب منفعت، هم‌خوانی کاملی دارد که در این پژوهش، با دیدی موجز نسبت به تشریح آن پرداخته شد از این رو با نگاهی نو، از زاویه‌ای جدید و به صورت ویژه، اندیشکده‌های آمریکایی که کمتر از سه ضلع دیگر مجتمع نظامی - صنعتی به آن توجه شده، مورد بررسی قرار گرفتند و به صورت خاص روابط تنگاتنگ سه شرکت لاکهیدمارتین، بوئینگ و نورثروپ گرومن با این رکن مؤثر، که ماحصل آن سیاست خارجی جنگ‌طلبانه ایالات متحده در بسیاری از مناطق جهان است، تبیین گردید.

اتاق فکری‌هایی که با استفاده از ظرفیت‌های خاص، از جمله انتصاب اعضای خود به عنوان مدیران رده‌بالای شرکت‌های تولیدکننده تسلیحات، افزایش قراردادهای تسلیحاتی و در کنار آن سیر صعودی درآمد پیمانکاران نظامی مانند لاکهیدمارتین، بوئینگ و نورثروپ گرومن را رقم زده‌اند. این درحالی است که اندیشکده‌ها همواره از هر اقدامی جهت تدام این روند حمایت کرده‌اند؛ از جمله ترغیب مقامات آمریکایی به افزایش بودجه نظامی و تعداد نیروی انسانی فعال در تولید انواع جنگ‌افزارها، تشویق به فروش تسلیحات به رژیم‌های جنگ‌طلبی هم‌چون اسرائیل و عربستان سعودی و هم‌چنین ایجاد فضای غیرواقعی، بزرگ‌نمایی و تهدید جلوه‌دادن کشورهایی هم‌چون کره شمالی، ایران یا چین به جهت فروش بیشتر تسلیحات.

فهرست منابع

- امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد؛ بابایی، مجتبی (۱۳۹۴). نقش اتاق‌های فکر در تصمیم‌سازی سیاست خارجی آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای ایران، فصل‌نامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۲۹، ۵۹-۸۰.
- براون، کیسی (۱۳۸۳). نسبت دولت و سیاست خارجی، ترجمه سیدسعادت حسینی، فصل‌نامه راهبرد، ۳۱، ۱۱۷-۱۳۴.
- ملکی، عباس (۱۳۸۲)، فرآیند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران، فصل‌نامه راهبرد، ۲۹، ۸۱-۱۰۹.
- Alex, D.(2019, July 6). General Dynamics / Raytheon FIM-92 Stinger. Retrieved from https://www.militaryfactory.com/smallarms/detail.asp?smallarms_id=30
- Allison, Graham.(1971). the essence of decision. Retrieved from <https://www.scribd.com/presentation/88551735/The-Essence-of-Decision>
- Arena, M., Graser, J., & DeLuca, P. (2013). What Can We Learn from Prior Industrial Base Assessments to Inform Decisions for the Future? In Implications of an Air Force Budget Downturn on the Aircraft Industrial Base: An Exploratory Analysis (pp. 11-24). RAND Corporation. Retrieved from <http://www.jstor.org/stable/10.7249/j.ctt5hhvh0.11>
- Award for Global Corporate Citizenship.(2019, May 6). Retrieved from <https://www.wilsoncenter.org/about-the-awardees>
- Bernstein, Barton. (1999). Foreign Policy, (114), 121-126. doi:10.2307/1149596
- Chang, F.(2014, November 24). Chinese Submarines and Indian ASW in the Indian Ocean. Retrieved from <https://www.fpri.org/2014/11/chinese-submarines-and-indian-asw-in-the-indian-ocean/>
- Choudry, A. (2008, December 11). The Military-Industrial Complex: Impacts on the Third World. Retrieved from <https://www.globalresearch.ca/the-military-industrial-complex-impacts-on-the-third-world/11361>
- Corporation and Trade Association Donors(2020). Retrieved from <https://www.csis.org/support-csis/our-donors/corporation-and-trade-association-donors>
- Eaglen, M & Salmon, D.(2011, December 5). Super Committee Failure and Sequestration Put at Risk Ever More Military Plans and Programs. Retrieved from <https://www.heritage.org/defense/report/super-committee-failure-and-sequestration-put-risk-ever-more-military-plans-and>
- Edward R. Harshberger.(2020). Retrieved from https://www.rand.org/about/people/h/harshberger_edward_r.html
- Ford, C. (2018, August 3). Caroline Kennedy Joins Carnegie Corporation of New York Board of Trustees. Retrieved from <https://www.carnegie.org/news/articles/caroline-kennedy-joins-carnegie-corporation-new-york-board-trustees/>
- FPRI Elects Three New Members to Its Board of Trustees. (2012, October 13). Retrieved from <https://www.fpri.org/news/2012/10/fpri-elects-three-new-members-to-its-board-of-trustees/>
- Gansler, J. (2011). Democracy's Arsenal: Creating a Twenty-First-Century Defense Industry. London, England: The MIT Press. Retrieved from <http://library.lol/main/8745B2FE8F1C81DBE4E297019824BA90>
- Global Research News. (2013, October 15). War or No War on Syria: Conflict of Interest of "Experts" who Commented in Favor of Military . Retrieved from

- Intervention <https://www.globalresearch.ca/war-or-no-war-on-syria-conflict-of-interest-of-experts-who-commented-in-favor-of-military-intervention/5354336>
- Gunnar, U. (2017, July 11). Saudi Arabia: What's Really Behind Trump's Hypocrisy? Retrieved from <https://journal-neo.org/2017/07/11/saudi-arabia-what-s-really-behind-trump-s-hypocrisy/>
- Hartung, W. (2012). *The Prophets of War, Lockheed Martin and The making of The Military-Industrial Complex*, New York, U.S.A: Bold Type Books. Retrieved from <http://library.lol/main/B47F573579996EDD0D9F33DEBFFE226F>
- Heritage Impact. (2018, February 23). Vice President Pence Selects Heritage Expert for National Space Council's Users Advisory Group. Retrieved from <https://www.heritage.org/space-policy/impact/vice-president-pence-selects-heritage-expert-national-space-councils-users>
- Herman, Arthur. (2011). How Israel's defense industry can help save America. Retrieved from <https://www.aei.org/articles/how-israels-defense-industry-can-help-save-america/>
- Hossein-Zadeh, I. (2006, September 1). Behind the Plan to Bomb Iran. Retrieved from <https://www.globalresearch.ca/behind-the-plan-to-bomb-iran/3120>
- Holmes, K. (2009, Apr 17). Why Cut Missile Defense Now? Retrieved from <https://www.heritage.org/europe/commentary/why-cut-missile-defense-now>
- Holmes, K. (2011, Jul 7). A Treaty that Actually Helps Us and Our Allies. Retrieved from <https://www.heritage.org/defense/commentary/treaty-actually-helps-us-and-our-allies>
- Johnson, C. (2004). *The Sorrows of Empire: Militarism, Secrecy, and the End of the Republic*, New York, U.S.A: Metropolitan Books. Retrieved from <http://library.lol/main/ED9FE333244B248FD3092E1A630BA353>
- Johnson, C. (2006). *Nemesis: The Last Days of the American Republic* (American Empire Project), New York, U.S.A: Henry Holt & Company. Retrieved from <http://library.lol/main/29C028A454BA095006B65ED394B8C7C5>
- Johnson, C. (2010). *Dismantling the Empire: America's Last Best Hope* (American Empire Project), New York, U.S.A: Metropolitan Books. Retrieved from <http://library.lol/main/60AEDAB007BDA05351304D35248AAC17>
- Johnson, A. (2017, May 8). Lockheed Martin-Funded Experts Agree: South Korea Needs More Lockheed Martin Missiles. Retrieved from <https://www.globalresearch.ca/lockheed-martin-funded-experts-agree-south-korea-needs-more-lockheed-martin-missiles/5589219>
- Klingner, B. (2015, June 12). South Korea Needs THAAD Missile Defense. Retrieved from <https://www.heritage.org/defense/report/south-korea-needs-thaad-missile-defense>
- Kochems, A & Gentilli, D. (2005, December 7). When Government Regulations Hinder Security: Shoulder-Fired Missile Defenses. Retrieved from <https://www.heritage.org/defense/report/when-government-regulations-hinder-security-shoulder-fired-missile-defenses>
- Lewis, Jenny. (2007). Graham T Allison's 'The Essence of Decision'. *Journal of Health Services Research & Policy*, Vol. 12 No. 2
- MCCartney, J & McCartney, M. (2015). *Americas War Machine*, New York, U.S.A: Thomas Dunne Books. Retrieved from <http://library.lol/main/44655D34EC9C5BCABC81282A0C24E3EE>
- Military-Industrial Complex. (2018, August 21). Retrieved from <https://www.history.com/topics/21st-century/military-industrial-complex>
- Naureckas, J. (2017, July 18). US Missile Defense Will Protect You From North Korea. <https://www.globalresearch.ca/us-missile-defense-will-protect-you-from-north-korea/5599934>

- O'Hanlon, M.(2013, June 19). F-35 Rollout: Halving the Procurement Could Save \$5B Annually. Retrieved from <https://www.brookings.edu/testimonies/f-35-rollout-halving-the-procurement-could-save-5b-annually/>
- Pavelec, M, S. (2010). Military Industrial Complex and American Society, California , <http://library.lol/main/2440E56CA554E8709BB29A58DEAF05DF>
- Petras, J (2009, June 8). Zionism, Militarism and the Decline of US Power, U.S.A .Retrieved from <https://www.amazon.com/Zionism-Militarism-Decline-US-Power/dp/0932863604>
- Pieraccini, F. (2017, July 26). The Military Industrial Complex Is Undermining US National Security. Retrieved from <https://www.globalresearch.ca/the-military-industrial-complex-is-undermining-us-national-security/5601108>
- RAND Study Estimates Multiyear Purchase of F-22A Fighters Would Save Air Force Hundreds of Millions of Dollars.(2007, June 29). Retrieved from <https://www.rand.org/news/press/2007/06/29.html>
- Sapolsky, H & Gholz, E & Talmadge, C. (2017). US Defense Politics: The Origins of Security Policy, New York, U.S.A: Routledge.
- Schultz, James. (1997). A Framework for Military Decision Making under Risks (pp. 5-17, Rep.). Air University Press. Retrieved from <http://www.jstor.org/stable/resrep13847.8>
- Spoehr, T.(2019, May 10). Acting Defense Chief Shanahan Tapped to Succeed Mattis at Pentagon. Retrieved from <https://www.heritage.org/defense/commentary/acting-defense-chief-shanahan-tapped-succeed-mattis-pentagon>
- The Wilson Policy Council.(2020). Retrieved from <https://www.wilsoncenter.org/wilson-policy-council>
- Thrall, A & Dorminey,C.(2018, March 13). Risky Business: The Role of Arms Sales in U.S. Foreign Policy. Retrieved from <https://www.cato.org/publications/policy-analysis/risky-business-role-arms-sales-us-foreign-policy>
- Yanarella, Ernest. (1975). "Reconstructed Logic" & "Logic-in-Use" in Decision-Making Analysis: Graham Allison. Polity, 8(1), 156-172. doi:10.2307/3234353



- O'Hanlon, M. (2013, June 19). F-35 Rollout: Halving the Procurement Could Save \$5B Annually. Retrieved from <https://www.brookings.edu/testimonies/f-35-rollout-halving-the-procurement-could-save-5b-annually/>
- Pavelec, M. S. (2010). Military Industrial Complex and American Society, California , <http://library.lol/main/2440E56CA554E8709BB29A58DEAF05DF>
- Petras, J (2009, June 8). Zionism, Militarism and the Decline of US Power, U.S.A .Retrieved from <https://www.amazon.com/Zionism-Militarism-Dcline-US-Power/dp/0932863604>
- Pieraccini, F. (2017, July 26). The Military Industrial Complex Is Undermining US National Security. Retrieved from <https://www.globalresearch.ca/the-military-industrial-complex-is-undermining-us-national-security/5601108>
- RAND Study Estimates Multiyear Purchase of F-22A Fighters Would Save Air Force Hundreds of Millions of Dollars.(2007, June 29). Retrieved from <https://www.rand.org/news /press/2007/06/29.html>
- Sapolsky, H & Gholz, E & Talmadge, C. (2017). US Defense Politics: The Origins of Security Policy, New York, U.S.A: Routledge.
- Schultz, James. (1997). A Framework for Military Decision Making under Risks (pp. 5-17, Rep.). Air University Press. Retrieved from <http://www.jstor.org/stable/resrep13847.8>
- Spoehr, T.(2019, May 10). Acting Defense Chief Shanahan Tapped to Succeed Mattis at Pentagon. Retrieved from <https://www.heritage.org/defense/commentary/acting-defense-chief-shanahan-tapped-succeed-mattis-pentagon>
- The Wilson Policy Council.(2020). Retrieved from <https://www.wilsoncenter.org/wilson-policy-council>
- Thrall, A & Dorminey, C.(2018, March 13). Risky Business: The Role of Arms Sales in U.S. Foreign Policy. Retrieved from <https://www.cato.org/publications/policy-analysis/risky-business-role-arms-sales-us-foreign-policy>
- Yanarella, Ernest. (1975). "Reconstructed Logic" & "Logic-in-Use" in Decision-Making Analysis: Graham Allison. Polity, 8(1), 156-172. doi:10.2307/3234353



- O'Hanlon, M.(2013, June 19). F-35 Rollout: Halving the Procurement Could Save \$5B Annually. Retrieved from <https://www.brookings.edu/testimonies/f-35-rollout-halving-the-procurement-could-save-5b-annually/>
- Pavelec, M, S. (2010). Military Industrial Complex and American Society, California , <http://library.lol/main/2440E56CA554E8709BB29A58DEAF05DF>
- Petras, J (2009, June 8). Zionism, Militarism and the Decline of US Power, U.S.A .Retrieved from <https://www.amazon.com/Zionism-Militarism-Decline-US-Power/dp/0932863604>
- Pieraccini, F. (2017, July 26). The Military Industrial Complex Is Undermining US National Security. Retrieved from <https://www.globalresearch.ca/the-military-industrial-complex-is-undermining-us-national-security/5601108>
- RAND Study Estimates Multiyear Purchase of F-22A Fighters Would Save Air Force Hundreds of Millions of Dollars.(2007, June 29). Retrieved from <https://www.rand.org/news/press/2007/06/29.html>
- Sapolsky, H & Gholz, E & Talmadge, C. (2017). US Defense Politics: The Origins of Security Policy, New York, U.S.A: Routledge.
- Schultz, James. (1997). A Framework for Military Decision Making under Risks (pp. 5-17, Rep.). Air University Press. Retrieved from <http://www.jstor.org/stable/resrep13847.8>
- Spoehr, T.(2019, May 10). Acting Defense Chief Shanahan Tapped to Succeed Mattis at Pentagon. Retrieved from <https://www.heritage.org/defense/commentary/acting-defense-chief-shanahan-tapped-succeed-mattis-pentagon>
- The Wilson Policy Council.(2020). Retrieved from <https://www.wilsoncenter.org/wilson-policy-council>
- Thrall, A & Dorminey,C.(2018, March 13). Risky Business: The Role of Arms Sales in U.S. Foreign Policy. Retrieved from <https://www.cato.org/publications/policy-analysis/risky-business-role-arms-sales-us-foreign-policy>
- Yanarella, Ernest. (1975). "Reconstructed Logic" & "Logic-in-Use" in Decision-Making Analysis: Graham Allison. Polity, 8(1), 156-172. doi:10.2307/3234353

